

ارزیابی و مطالعه نقش عوامل سازمانی و غیر سازمانی بر پوشش ثبتی مرگ و میر

در سال ۱۳۸۶

مرجان علیزاده^۱

دکتر خلیل میرزایی^۲

چکیده

آمارهای حاصل از ثبت رویداد فوت نشان داده که دیرثبتی این واقعه از ابتدای تأسیس سازمان ثبت احوال وجود داشته است. در سالهای اخیر، شناسایی عوامل مؤثر بر آن به یکی از دغدغه‌های اصلی سازمان مبدل گشته و به همین دلیل تحقیقاتی در این زمینه صورت گرفته که این تحقیق نیز یکی از آنهاست. تفاوت اصلی این تحقیق با تحقیقات انجام گرفته پیشین، در تفکیک عوامل مؤثر بر ثبت فوت به عوامل درون سازمانی و عوامل برون سازمانی با تأکید بر نرخ‌های جاری فوت در استانها است.

روش بکار رفته در این تحقیق، توصیفی بوده و جامعه مورد مطالعه، کارکنان ادارات ثبت احوال، مراجعه‌کنندگان به ادارات ثبت احوال (مردم) و دست‌اندرکاران ارگانها و نهادهای مرتبط با ثبت احوال بوده‌اند. روش نمونه‌گیری، تصادفی ساده بر اساس زمان بوده است. ابزار تحقیق پرسشنامه‌هایی بوده که در سه نوع متفاوت (با توجه به پاسخگویان) طراحی گردید. یکی از مهمترین یافته‌های این تحقیق عبارت بود از اینکه از نظر خبرگان ادارات ثبت احوال در کل نمونه، استانهای متوسط و استانهای قوی، مهمترین عامل مؤثر بر بهبود ثبت فوت تبلیغات، اطلاع‌رسانی و دادن آگاهی‌های قانونی به مردم بوده است. مهمترین یافته دیگر این بود که از نظر خبرگان ادارات ثبت احوال در استانهای ضعیف، مهمترین عامل مؤثر بر کم‌ثبتی فوت، ضعف و یا نبود یک سیستم نظارت و کنترلی قوی بر مراحل مختلف تولید آمار بوده است. از نظر دست‌اندرکاران دیگر نهادهای مرتبط با ادارات ثبت احوال در کل نمونه و در استانهای ضعیف و متوسط، مهمترین عامل مؤثر در ثبت فوت همکاری بیمارستانها و خانه‌های بهداشت با ادارات ثبت احوال بوده و از نظر دست‌اندرکاران دیگر نهادهای مرتبط با ادارات ثبت احوال در استانهای قوی، مهمترین عامل مؤثر در ثبت فوت اطلاع‌رسانی در خصوص آمارهای مربوط به فوت برای دست‌اندرکاران بوده است.

واژگان کلیدی: دیرثبتی فوت، عوامل درون سازمانی و برون سازمانی، نرخ ثبت جاری فوت

۱- کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی - (کارشناس مسئول جمعیت‌شناسی در دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت، سازمان ثبت احوال کشور)

۲- هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

مقدمه

اصولاً در ایران منابع مختلفی داده های جمعیتی را گردآوری و یا ثبت می کنند، این منابع عبارتند از:

- ۱- آمارگیری نمونه ای و سرشماری ها که توسط مرکز آمار ایران انجام می شود.
- ۲- داده های ثبتی وقایع چهارگانه حیاتی (ولادت، مرگ و میر، ازدواج و طلاق) توسط سازمان ثبت احوال جمع آوری و منتشر می شود.

در میان این منابع، داده های ثبتی دارای امتیازهای ویژه ای نظیر قابلیت اعتماد بیشتر، امکان تولید جدول برای محدوده های جغرافیایی، فراهم آوردن اطلاعات به روز، عدم امکان بروز خطای نمونه گیری و ... هستند. تداوم و نهادینه کردن ثبت اطلاعات درست جمعیتی در مورد وقایع چهارگانه بخصوص ولادت و وفات نقشی اساسی در برنامه ریزی های بلند مدت و کوتاه مدت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... که بر پایه تحولات جمعیتی بنیان شده اند، دارد.

با توجه به اهمیتی که ثبت به موقع این رویدادها در برنامه ریزی های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد، در این تحقیق به دنبال بررسی مسائل و مشکلات دیرثبتی و یا کم ثبتی واقعه فوت در ابعاد درون سازمانی و برون سازمانی (فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) هستیم تا در این راستا علل دیرثبتی فوتها کشف گردد و از این طریق در پی راهکارهایی جهت ثبت به موقع این واقعه در کشور خواهیم بود. لازم به ذکر است که نتایج این تحقیق در واقع انعکاس نظرات پاسخگویان، به سوالات مورد نظر پژوهشگر که در قالب عوامل سازمانی و غیر سازمانی مطرح گردید، بوده است.

بیان مسئله و اهداف پژوهش

با توجه به نیاز مبرم کشور به برنامه ریزی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و با عنایت به این موضوع که اساس و بنای این برنامه ریزی ها، آمارهای جمعیتی از جمله آمارهای دقیق در زمینه مرگ و میر می باشد، همانطور که نتایج تحقیقات و مشاهدات عینی نشان داده است در زمینه ثبت مرگ و میر در کشور و بخصوص استانهایی خاص مشکلاتی وجود دارد که این موضوع در مخدوش کردن اطلاعات جمعیتی و نامطمئن کردن نتایج تحقیقات و ناکارآمد ماندن فرآیندهای برنامه ریزی های دولت نقش بسزا و عمده ای دارد. از طرفی با وجود اینکه قوانین ثبت احوال ضمانتهای اجرایی خاص دارد اما در اکثر قریب به اتفاق ادارات ثبت احوال از این ابزار به درستی استفاده نشده و به همین دلیل و یا دلایل دیگری که در این تحقیق به آنها خواهیم پرداخت ثبت وقایع حیاتی به خصوص مرگ و میرهای اتفاق افتاده بطور دقیق و در زمانهای قانونی انجام نمی گیرد.

اما آنچه در این میان مورد نظر است توجه به این موضوع بوده که همواره علل کم ثبتی و یا دیر ثبتی این رویداد از دید مسئولین سازمان به عوامل خارج از سازمان (مردم، ارگانها و نهادهایی که می بایست با ثبت احوال همکاری کنند) برمی گشته، در صورتی که به نظر محقق عواملی در درون سازمان نیز وجود دارد که می توانند بر این کم ثبتی ها و یا دیر ثبتی ها اثر مستقیم و با شدت بالا داشته باشند. عوامل برون سازمانی و درون سازمانی بسته به نوع سازمان متنوع بوده و محدوده های متفاوتی را در سازمان شامل می شوند. برای مثال، از عوامل برون سازمانی می توان از شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نام برد و همچنین از مجموعه عوامل درون سازمانی می توان به ساخت سازمان، سیاستهای سازمانی، فرایندها و شرایط مادی حاکم بر سازمان ها از جمله سازمان ثبت احوال کشور اشاره کرد (نوروزی، ۱۳۸۴).

یافته های این تحقیق می تواند مسئولین سازمان را در اخذ اطلاعات صحیح و دقیق یاری نماید که این امر هم می تواند اعتماد پژوهشگران و برنامه ریزان را به داده های ثبتی ارتقاء دهد و هم در تمام ادارات اجرایی پایه های برنامه ریزی را استحکام بخشد. اهداف کلی این تحقیق عبارتست از:

- ۱- شناخت عوامل سازمانی و غیر سازمانی مؤثر بر دیر ثبتی و یا کم ثبتی رویداد فوت.
- ۲- اولویت بندی عوامل مؤثر بر دیر ثبتی و یا کم ثبتی مرگ و میر.
- ۳- بررسی وضعیت ثبت مرگ و میر به تفکیک عوامل تأثیر گذار.
- ۴- وضعیت مرگ و میر بر اساس مشخصات جمعیت شناختی اعلام کنندگان وفات.
- ۵- ارائه راهکارها و راهبردهایی در خصوص نقش عوامل مؤثر بر ثبت به موقع فوت.
- ۶- دستیابی به راهکارهای مناسب برای رفع کم ثبتی و یا دیر ثبتی مرگ و میر در کشور.
- ۷- دستیابی به پوشش کامل در ثبت فوت.
- ۸- دستیابی به آمارهای صحیح و با دقت بالا در رویداد فوت.
- ۹- دستیابی به نرخ های دقیق مرگ و میر.

پیشینه تحقیق

از حدود سال ۱۹۳۰ میلادی برآورد رشد جمعیت^۱ PGE شامل جمع آوری دوگانه، تطبیق و برآوردهای آماری مرتبط با اندازه گیری و ارزیابی آمارهای وقایع حیاتی مورد استفاده قرار گرفت. براساس این تکنیک برآوردهای زیادی از کشورهایی که از لحاظ تقسیمات کشوری دارای حجم

1- Population Growth Estimation (PGE)

زیاد هستند، در دسترس است. این کار به لحاظ اندازه و هدف، از مطالعات آزمایشی محدود، تا کنترل‌های رسمی نظام ثبت وقایع حیاتی و مطالعات و بررسی‌هایی در اندازه‌های بزرگ رشد جمعیت، باروری و مرگ و میر انجام شده در نمونه‌های تصادفی در سطح ملی، متغیر است. تکنیک PGE در ۳ کشور آمریکا، کانادا و اتحاد جماهیر شوروی که در آن سالها بعنوان کشورهای توسعه یافته اقتصادی طبقه بندی شده بودند، برای مطالعه پوشش نظام ثبت وقایع حیاتی استفاده شده بود. در اینجا به طور خلاصه از انجام این تکنیک در کشور کانادا سخن می‌گوییم. مطالعه کانادا در اوایل دهه ۱۹۳۰ انجام گردید که برای سنجش کامل بودن ثبت رویداد ولادت و وفات در تعداد زیادی از استانهای این کشور به اجرا در آمد. این مطالعه مقدماتی در ارتباط با کامل بودن ثبت رویداد ولادت و وفات بود که در قالب یک رساله گزارشی تنظیم گردید و در سرشماری سال ۱۹۳۱ کانادا منتشر گردید.

اولین مطالعات آسیایی در سال ۱۹۴۷ در مرکز بهداشت سینگور، نزدیک کلکته هندوستان انجام شد که در سال ۱۹۴۹ گزارش آن منتشر گردید. این مطالعه شامل یک تطبیق دوگانه بین گزارشات گذشته نگر از تولدهای زنده و مرگ و میرها برای یک دوره ۲ ساله اجراء شده در یک بررسی همزمان خانوار و گزارش‌های رویدادهای حیاتی که توسط نظام سنتی ثبت وقایع حیاتی تهیه گردید، بوده است (مارکس، ۱۹۷۴، ص ۱۸ و ۳۵).

نظام‌های ثبت احوال و آمارهای حیاتی در دیگر کشورها را می‌توان به دو دسته سیستم‌های نامتمرکز و سیستم‌های متمرکز تقسیم بندی کرد. سیستم‌های نامتمرکز، سیستم‌هایی هستند که در آنجا دفاتر ثبت منطقه‌ای طبق مقررات ثبت احوال و تحت نظر مقامات ایالتی، شهرستانی و یا منطقه‌ای اداره می‌شوند. در چنین سیستم‌های مدیریتی کشور فاقد دفتر ملی دارای اقتدار بر سیستم‌های ثبت ایالت، استان و منطقه است. با این وجود یک دفتر مرکزی تدوین آمارهای حیاتی را هماهنگ می‌نماید. برخی از کشورهایی که دارای سیستم‌های نامتمرکز هستند عبارتند از: کانادا، آرژانتین، مکزیک و ایالات متحده آمریکا. در سیستم‌های متمرکز ثبت تولد و مرگ به موجب قوانینی به مراکز خاص دولتی مانند وزارت کشور و یا وزارت کار واگذار گردیده است. کشور تایلند یکی از کشورهایی است که دارای سیستم متمرکز است.

مسئله دیرثبتی و یا کم‌ثبتی وقایع حیاتی که یکی از دغدغه‌های مهم و جدی سازمان ثبت احوال در حال حاضر می‌باشد موضوعی جدید نیست ولی تلاش جدی برای رفع معضل دیرثبتی و کم‌ثبتی وقایع شروع آن به اوایل سال ۱۳۷۰ بر میگردد. با توجه به آمارها و نرخ‌های حاصل شده از ثبت رویداد فوت و پایین تر بودن آن از حد استاندارد در نظر گرفته شده برای نرخ آن، نیاز به

اجرای طرحی که بتوان با کمک آن این معضل را به حداقل رساند، احساس شد. بنابراین سازمان ثبت احوال با حمایت مالی دفتر صندوق جمعیت سازمان ملل متحد^۱ (UNFPA) از سال ۱۳۷۴ پروژه ای را تحت عنوان " طرح پوشش ثبت به موقع وقایع حیاتی " در برخی استانهای کشور شروع کرد و هدف اصلی آن کاهش دیر ثبتی و یا کم ثبتی های مشاهده شده در وقایع حیاتی بخصوص ولادت و فوت بود که در سالهای بعد از آن به مرور بر تعداد استانهایی که تمایل به اجرای طرح فوق الذکر را نشان دادند، افزوده شد. رحمانی در تحقیق خود با نام " بررسی مشکلات نظام سنتی ثبت احوال در ایران با هدف تحول و نوآوری " در سال ۱۳۷۳، موانع اصلاحات ثبت احوال و آمار وقایع حیاتی را در سه گروه جامع مورد مطالعه قرار داده است:

الف) مشکلات نسبتاً سخت و حل نشدنی در رابطه با جغرافیا و فرهنگ.

ب) مسائل و مشکلاتی که قابل حل هستند ولی احتیاج به بودجه و کمک های فنی اعم از داخلی و خارجی دارند.

ج) مشکلاتی که سریعاً قابل رفع هستند.

عبدالله صابری در مقاله ای تحت عنوان "علل و عوامل کم ثبتی و دیر ثبتی" در سال ۱۳۷۷، سعی کرده مسائل و مشکلاتی را که به نوعی در دیر ثبتی و یا کم ثبتی وقایع دخالت دارند ترسیم کند که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- عدم الزام قانونی در ثبت به موقع وقایع حیاتی.
 - عدم موفقیت در ایجاد انگیزه.
 - عدم آگاهی از اثرات سوء کم ثبتی یا دیر ثبتی.
 - وجود ایلات و عشایر.
 - موقعیت جغرافیایی کشور و وجود نقاط دور افتاده
- در این مقاله راهکارهایی که به نظر نویسنده تا حدودی باعث رفع موانع یاد شده، می گردند عبارتند از:

۱. اصلاح قوانین، مقررات و دستورالعمل های مربوط به ثبت وقایع حیاتی، نام و نام خانوادگی.
۲. وجود مدیریت متمرکز و ایجاد ارتباط بین آنها از طریق شبکه رایانه ای.
۳. تعیین تکلیف اتباع بیگانه

در آذر ماه سال ۱۳۸۰، طرحی با عنوان " بررسی علل کم ثبتی و دیر ثبتی فوت " توسط دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان، در ادارات ثبت احوال کشور اجرا گردید که پاسخگویان آن مردم و یا به عبارتی مراجعه کنندگان به ادارات ثبت احوال بودند. اهم نتایج تحقیق ذکر شده عبارتند از:

- تأثیر آموزش در سطوح متوسطه و عالی افزایش قابل ملاحظه ای در میزان ثبت رویداد مرگ در مهلت قانونی ایجاد می کند.
 - نتایج بررسی، حاکی از وجود کم ثبتی قابل ملاحظه ای در ثبت گروه سنی خردسالان است.
 - در حدود ۴۷/۵ درصد از حجم نمونه نبود گواهی فوت اعلام شده است و این نشان می دهد که پوشش خدمات درمانی کمتر از حد انتظار است.
 - فرزندان فوت شدگان، عمده ترین گروه اعلام کنندگان و پاسخگویان را تشکیل می دهند که به ۴۰/۵ درصد بالغ می شود.
 - حدود ۳۶ درصد مراجعه کنندگان یکی از نیازهای اداری را دلیل مراجعه خود برای ثبت رویداد قید نموده اند.
 - عدم آگاهی از قانون ثبت احوال، که علت دیر ثبتی و کم ثبتی حدود ۴۸ درصد رویدادها قید شده است ضرورت اطلاع رسانی دولت به مردم در زمینه رویداد را مشخص می سازد....
- در آبان ماه سال ۱۳۸۴ طرح دیگری با حمایت مالی صندوق جمعیت ملل متحد، تحت عنوان " اولویت ها و حدود عوامل مؤثر بر کم ثبتی و دیر ثبتی (فوت و مولید) از نگاه دست اندرکاران خبره ثبت احوال " در دو گروه مورد (استانهای بوشهر، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویر احمد) و گروه گواه (استانهای آذربایجان شرقی، قزوین، سمنان، و بخشی از حوزه ستادی) اجراء گردید. برخی از نتایج مهم این طرح عبارتست از:
- تصمیم مدیریت در سطوح مختلف سازمانی برای تقویت و تضعیف عوامل مؤثر بر کم ثبتی و دیر ثبتی به محرومیت استان ربطی ندارد.
 - تبلیغات و اطلاع رسانی و دادن آگاهی های قانونی به مردم می تواند ثبت به موقع آمارها را بهبود بخشد.
 - در دسترس بودن ادارات و مراکز ثبت احوال (برای مردم) می تواند کم ثبتی و دیر ثبتی را کاهش دهد.

- اعلام به موقع وقایع حیاتی توسط مردم نیاز به ضمانت اجرایی (تشویق، جریمه و ...) دارد.

- با بهبود وضعیت معیشتی کارکنان ادارات ثبت احوال، ثبت وقایع حیاتی بهتر می شود. در شهریور ماه سال ۱۳۸۶ نیز طرح دیگری با حمایت مالی صندوق جمعیت ملل متحد با نام "رتبه بندی عوامل تأخیر در ثبت ولادت و فوت و عوامل عدم ثبت فوت از نظر میزان تأثیر در شهرستانهای کشور" با هدف شناسایی هر چه بهتر عوامل تأخیر در اعلام ولادت و فوت و نیز عدم اعلام فوت از سوی مردم از یک طرف و از سوی سازمان ثبت احوال کشور از طرف دیگر و سپس رتبه بندی آنها از نظر اهمیت تأثیر در ۱۷۶ شهرستان کشور اجرا گردید. مهم ترین نتایج حاصل شده از اجرای طرح فوق و عوامل مؤثر بر ثبت رویداد فوت به ترتیب اولویت به قرار زیر است:

- نبود ضمانت اجرایی مؤثر در اجرای قوانین ثبت احوال.
- نبود گورستان دارای متولی.
- پایین بودن سطح سواد و تحصیلات اعلام کنندگان فوت.
- کمبود امکانات و اعتبارات مالی.
- نبود احساس نیاز به ثبت فوت (گواهی فوت)....

فرضیه های پژوهش

- در این پژوهش با توجه به عوامل مؤثر در ثبت فوت (عوامل سازمانی^۱ و عوامل غیر سازمانی^۲) فرضیه های بسیاری برای محقق مطرح شده است که در زیر به اهم آنها اشاره می شود.
- ۱- بین فاصله ادارات ثبت احوال از محل سکونت مردم با ثبت فوت ارتباط وجود دارد.

- ۱- در یک جمع بندی کلی در این تحقیق، عوامل شناخته شده در درون سازمان ثبت احوال را می توان به شرح زیر مطرح کرد:
- فاصله ادارات ثبت احوال از محل سکونت مردم.
 - تبلیغات و اطلاع رسانی و دادن آگاهی های قانونی به مردم.
 - کافی نبودن قوانین.
 - مدارک و مستندات لازم برای ثبت فوت.
 - توسعه و تعمیم شماره ملی.
 - مراجعه منظم مأمور ثبت احوال به مراجع ذیربط.
 - ضمانت اجرایی (تشویق و تنبیه).
 - وجود سیستم کنترلی و نظارت علمی و قوی.
 - وجود چک لیست کامل برای مراجعه مأمور ثبت احوال.

۲- عوامل غیر سازمانی (برون سازمانی) در این تحقیق عبارتند از:

عوامل اجتماعی

- ۱- وجود نقاط روستایی پراکنده
- ۲- وجود بازمانده
- ۳- ایجاد گورستانهای محصور و متمرکز و دارای متولی
- ۴- شوراهای دهیارها و مسئولین امور عشایری
- ۵- نیروی انتظامی
- ۶- پزشکان، بیمارستانها، خانه های بهداشت و پزشکی قانونی
- ۷- شرایط آب و هوایی منطقه
- ۸- رسانه های محلی

عوامل فرهنگی

- ۱- فوت افراد سالخورده و خردسالان
- ۲- فوت زنان
- ۳- سطح سواد بازماندگان
- ۴- بحران و تالعات روحی بازماندگان
- ۵- نداشتن گواهی دفن
- ۶- عدم آگاهی مردم از قوانین
- ۷- جنس اعلام کننده
- ۸- دسترسی به شناسنامه متوفی

عوامل اقتصادی

- ۱- نیاز به گواهی انحصار وراثت
- ۲- منابع بازماندگان
- ۳- سوء استفاده اقتصادی از شناسنامه متوفی
- ۴- مصرف هزینه برای ثبت فوت



ژوهرشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- ۲- بین تهیه مدارک و مستندات لازم برای ثبت فوت توسط بستگان متوفی و ثبت فوت ارتباط وجود دارد.
- ۳- بین وجود بازمانده برای متوفی و ثبت فوت ارتباط وجود دارد.
- ۴- بین وجود بحران و تألمات روحی بازماندگان و ثبت فوت متوفی ارتباط وجود دارد.
- ۵- بین داشتن گواهی دفن و ثبت فوت ارتباط وجود دارد.
- ۶- بین آگاهی مردم از قانون ثبت فوت (۱۰ روز مهلت قانونی) و ثبت فوت ارتباط وجود دارد.
- ۷- بین نیاز به گواهی انحصار وراثت توسط بازماندگان و ثبت فوت متوفی ارتباط وجود دارد.
- ۸- بین دسترسی داشتن به شناسنامه متوفی و ثبت فوت ارتباط وجود دارد.
- ۹- بین جنسیت متوفی و ثبت فوت ارتباط وجود دارد.
- ۱۰- بین محل وقوع فوت (در حومه اداره ثبت احوال باشد یا خیر) و ثبت فوت ارتباط وجود دارد.
- ۱۱- بین مصرف هزینه قابل توجه برای رسیدن به اداره و ثبت فوت ارتباط وجود دارد.
- ۱۲- بین جنسیت اعلام کنندگان و ثبت فوت ارتباط وجود دارد.
- ۱۳- بین سطح سواد بازماندگان و ثبت فوت ارتباط وجود دارد.
- ۱۴- بین عدم دسترسی مردم به ادارات ثبت احوال و ثبت فوت ارتباط وجود دارد.
- ۱۵- بین سن متوفی و ثبت فوت ارتباط وجود دارد.

روش پژوهش

این تحقیق با توجه به ماهیت و اهداف آن، از نظر هدف، پژوهشی کاربردی و یا به عبارت دیگر کاربرده و از نظر مسیر، توصیفی می باشد.

در این تحقیق ما به دنبال ارتباط عواملی هستیم که شاید هر کدام از آنها به تنهایی و یا به همراه چند عامل دیگر به نوعی بر تأخیر و یا عدم ثبت مرگ و میرهایی که در کشور اتفاق می افتد، مؤثر باشند. به عنوان مثال در پی آن هستیم که بدانیم آیا عامل تحصیلات اعلام کننده واقعه فوت با ثبت به موقع و یا تأخیر در ثبت فوت ارتباط دارد یا خیر؟ و یا اینکه آیا جنس متوفی بر ثبت فوت از لحاظ دیرثبتی و یا کم ثبتی تأثیر دارد یا خیر. از آنجا که اعلام و ثبت رویداد وفات توسط مردم یک پدیده ی غیر قابل دستکاری است و یا به عبارت دیگر هیچگونه دستکاری آزمایشی در آن صورت نمی گیرد می توان این پژوهش را یک پژوهش توصیفی قلمداد کرد.

جامعه پژوهش

جامعه پژوهش در این تحقیق با توجه به عوامل مؤثری که شناسایی شده اند و آنها را در دو گروه جامع درون سازمانی و برون سازمانی دسته بندی کرده ایم، عبارتند از:

۱- خبرگان و دست اندرکاران ادارات ثبت احوال: منظور کارکنانی هستند که در امر ثبت واقعه فوت دارای تجربه و تخصص هستند و در بهبود وضعیت آن همکاری و تلاش می کنند که عبارتند از: مدیران ادارات کل و معاونین، روسای ادارات، معاونین ادارات، کارشناسان خبره ادارات

۲- مردم و یا به عبارت دیگر مراجعه کنندگان به ادارات ثبت احوال: منظور افرادی هستند که برای اعلام و ثبت فوت بستگان و یا آشنایان به ادارات ثبت احوال مراجعه نموده اند.

۳- دست اندرکاران ارگانها، سازمانها، ادارات و یا نهادهایی که طبق قانون می بایست با ادارات ثبت احوال همکاری و تعامل داشته باشند مانند: خانه های بهداشت، استانداری ها، فرمانداری ها، شهرداریها، نیروی انتظامی، شوراها، دهیارها و ...

این پژوهش در سال ۱۳۸۶ انجام شده است و از سال مذکور یک مقطع زمانی انتخاب گردید که در روش نمونه گیری توضیح داده خواهد شد.

نمونه و روش نمونه گیری

روش نمونه گیری در این پژوهش تصادفی ساده بر اساس زمان بوده است. بدین ترتیب که هفته ای از سال به تصادف انتخاب شده (هفته اول تیر ماه سال ۱۳۸۶) و در طول یک هفته، همه ادارات ثبت احوال موظف به تکمیل پرسشنامه های ارسالی از سوی سازمان گردیدند. لازم به یادآوری است که پرسشنامه ها توسط سه گروه پاسخگو که قبلاً به آنها اشاره شد، تکمیل گردید. پس از آن ۵ استان در سطح کشور به صورت تصادفی ساده (به قید قرعه) انتخاب گردید. استانهای انتخاب شده به ترتیب عبارتند از: کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، اردبیل، مرکزی و خراسان جنوبی و جالب توجه و قابل ذکر است که پس از محاسبه و بررسی نرخ ثبت جاری فوت در سال ۱۳۸۵ برای استانهای کشور معلوم گردید که استانهای انتخاب شده در سه گروه قوی، متوسط و ضعیف قرار گرفتند. با استفاده از روش های غیرمستقیم و داده های سرشماری سال ۱۳۸۵، میزان خام مرگ و میر کشور ۶ در هزار نفر بوده است (تحولات جمعیت ایران در دهه اخیر، ۱۳۸۸، آنلاین، ۲۰۱۰) که در این تحقیق نرخ فوت جاری استانهای ضعیف کمتر از ۴ در هزار نفر، در استانهای متوسط بین ۴ تا ۵ در هزار نفر و در استانهای قوی بیشتر از ۵ در هزار نفر در نظر گرفته شده است.

یافته های تحقیق

در پرسشنامه هایی که توسط مدیران، روسای ادارت و خبرگان ثبت احوال تکمیل گردید، گویه هایی را که میانگین امتیازات داده شده به آنها بیشتر از رقم ۴ می شود (موافق و کاملاً موافق) به ترتیب بیشترین میانگین کسب شده می توان در زیر نام برد:

- تبلیغات، اطلاع رسانی و دادن آگاهی های قانونی به مردم می تواند ثبت فوت را بهبود بخشد.
 - اطلاع رسانی از محل وقوع فوت توسط شوراها و دهیاری ها دقت ثبت وقایع را افزایش می دهد.
 - مراجعه منظم مأمور ثبت احوال به مراجع ذیربط در کاهش کم ثبتی و تسریع ثبت فوت مؤثر است.
 - مهمترین راه جلوگیری از کم ثبتی فوت، ایجاد گورستانهای متمرکز، محصور و دارای متولی است.
 - اعلام به موقع وقایع حیاتی توسط مردم، نیاز به ضمانت اجرایی (تشویق، جریمه و ...) دارد.
 - در دسترس بودن ادارات و مراکز ثبت احوال (برای مردم) می تواند کم ثبتی و دیر ثبتی فوت را کاهش دهد.
 - بحران و تألمات روحی بازماندگان متوفی از دلایل تأخیر گزارش و ثبت فوت است.
 - نیاز به گواهی انحصار وراثت دلیل مهمی برای اعلام فوت است.
 - مردم منطقه از قوانین مربوط به تأخیر یا عدم ثبت فوت آگاهی کافی ندارند.
- ۵ اولویت اول حاصل شده از اظهار نظر مدیران، روسای ادارات و خبرگان ثبت احوال در سه سطح ضعیف، متوسط و قوی به ترتیب، به شرح زیر بوده است:

استانهای ضعیف

- ضعف و یا نبود یک سیستم نظارت و کنترلی علمی و قوی (بر مراحل مختلف تولید آمار) از مشکلات ثبت وقایع حیاتی است.
- تبلیغات، اطلاع رسانی و دادن آگاهی های قانونی به مردم می تواند ثبت فوت را بهبود بخشد.
- فوت زنان کمتر از فوت مردان ثبت می شود.
- فوت افراد سالخورده با دقت اعلام نمی شود.
- در نقاط روستایی بیشتر از نقاط شهری دیر ثبتی و کم ثبتی فوت وجود دارد.

استانهای متوسط

- تبلیغات، اطلاع رسانی و دادن آگاهی های قانونی به مردم می تواند ثبت فوت را بهبود بخشد.
- فوت زنان کمتر از فوت مردان ثبت می شود.
- ضعف و یا نبود یک سیستم نظارت و کنترلی علمی و قوی (بر مراحل مختلف تولید آمار) از مشکلات ثبت وقایع حیاتی است.

- مراجعه منظم مأمور ثبت احوال به مراجع ذیربط در کاهش کم ثبتی و تسریع ثبت فوت مؤثر است.
- در دسترس بودن ادارات و مراکز ثبت احوال (برای مردم) می تواند کم ثبتی و دیرثبتی فوت را کاهش دهد.

استانهای قوی

- تبلیغات، اطلاع رسانی و دادن آگاهی های قانونی به مردم می تواند ثبت فوت را بهبود بخشد.
 - فوت زنان کمتر از فوت مردان ثبت می شود.
 - فوت افراد سالخورده با دقت اعلام نمی شود.
 - ضعف و یا نبود یک سیستم نظارت و کنترلی علمی و قوی (بر مراحل مختلف تولید آمار) از مشکلات ثبت وقایع حیاتی است.
 - در نقاط روستایی بیشتر از نقاط شهری دیرثبتی و کم ثبتی فوت وجود دارد.
- همانگونه که در نتایج بالا مشاهده می شود " نقش تبلیغات و اطلاع رسانی و دادن آگاهی های قانونی به مردم" در سطوح مختلف استانها از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده است همچنانکه در گزارش کل استانها نیز این گویه رتبه اول را به خود اختصاص داده است. در این تحقیق مشخص گردید که گویه ها در سطوح مختلف دارای رتبه های متفاوتی بوده اند. به عنوان مثال در استانهای سطح ضعیف این گویه که " فوت زنان کمتر از فوت مردان ثبت می شود" در رتبه سوم ولی در استانهای سطح قوی در رتبه دوم جای گرفته است و در استانهای سطح متوسط جزء ۵ اولویت اول نبوده است. و یا این گویه که " ضعف و یا نبود یک سیستم نظارت و کنترلی علمی و قوی (بر مراحل مختلف تولید آمار) از مشکلات ثبت وقایع حیاتی است" در استانهای سطح ضعیف در رتبه اول، در استانهای سطح متوسط در رتبه سوم و در استانهای سطح قوی در رتبه چهارم قرار گرفته است.
- در پرسشنامه هایی که توسط دست اندرکاران نهادها و ارگانهای مرتبط با ادارات ثبت احوال تکمیل گردید، گویه هایی را که میانگین امتیازات داده شده به آنها بیشتر از رقم ۴ بوده (زیاد و خیلی زیاد) به ترتیب بیشترین میانگین کسب شده می توان در زیر نام برد:
- در بهبود ثبت فوت بیمارستانها و خانه های بهداشت اثر گذارند.
 - اطلاع رسانی در خصوص آمارهای مربوط به فوت برای دست اندرکاران اهمیت دارد.
 - اهمیت شوراها، دهیارها و مسئولین امور عشایری در بهبود ثبت وقایع روستایی و عشایری.
 - وجود رابطه قانونمند بین بخش های مختلف (شهرداری، مراکز درمانی و خانه های بهداشت...) با ادارات ثبت احوال.
 - رسانه های محلی می توانند در آگاهی مردم برای ثبت فوت تأثیر گذار باشند.
 - اهمیت پزشکان در ثبت و کیفیت گزارش فوت.

- انتشار به موقع آمارها در سطح منطقه اهمیت آمارها را برای بخش های مختلف مشخص می نماید.
 - پزشکی قانونی می تواند در اعلام وقایع فوت تأثیر گذار باشد.
 - نقش سایر سازمانها و نهادهای محلی در بهبود ثبت وقایع حیاتی دارای اهمیت خاص است.
- ۵ اولویت اول حاصل شده از اظهار نظر دست اندرکاران نهادها و ارگانهای مرتبط با ادارات ثبت احوال در سه سطح ضعیف، متوسط و قوی به ترتیب به شرح زیر بوده است:

استانهای ضعیف

- در بهبود ثبت فوت بیمارستانها و خانه های بهداشت اثر گذارند.
- اطلاع رسانی در خصوص آمارهای مربوط به فوت برای دست اندرکاران اهمیت دارد.
- وجود رابطه قانونمند بین بخش های مختلف (شهرداری، مراکز درمانی و خانه های بهداشت،...) با ادارات ثبت احوال.
- پزشکی قانونی می تواند در اعلام وقایع فوت تأثیر گذار باشد.
- انتشار به موقع آمارها در سطح منطقه اهمیت آمارها را برای بخش های مختلف مشخص می نماید.

استانهای متوسط

- در بهبود ثبت فوت بیمارستانها و خانه های بهداشت اثر گذارند.
- اهمیت شوراها، دهیارها و مسئولین امور عشایری در بهبود ثبت وقایع روستایی و عشایری.
- اهمیت پزشکان در ثبت و کیفیت گزارش فوت.
- رسانه های محلی می توانند در آگاهی مردم برای ثبت فوت تأثیر گذار باشند.
- وجود رابطه قانونمند بین بخش های مختلف (شهرداری، مراکز درمانی و خانه های بهداشت،...) با ادارات ثبت احوال.

استانهای قوی

- اطلاع رسانی در خصوص آمارهای مربوط به فوت برای دست اندرکاران اهمیت دارد.
- در بهبود ثبت فوت بیمارستانها و خانه های بهداشت اثر گذارند.
- اهمیت شوراها، دهیارها و مسئولین امور عشایری در بهبود ثبت وقایع روستایی و عشایری.
- رسانه های محلی می توانند در آگاهی مردم برای ثبت فوت تأثیر گذار باشند.
- وجود رابطه قانونمند بین بخش های مختلف (شهرداری، مراکز درمانی و خانه های بهداشت،...) با ادارات ثبت احوال.

همانگونه در یافته های بالا ملاحظه می گردد گویه " در بهبود ثبت فوت بیمارستانها و خانه های بهداشت اثر گذارند" در سطوح در نظر گرفته شده در این تحقیق، در اولویت اول و یا دوم قرار

گرفته است. این بدان معنی است که از نگاه دست اندرکاران بیرونی که در واقع در دیگر نهادها و یا ارگانها شاغل هستند اما به نوعی با ادارات ثبت احوال نیز ارتباط دارند، بیمارستانها و یا خانه های بهداشت در بهبود و ارتقاء کیفیت ثبت مرگ و میر می توانند بیشترین تأثیر را داشته باشند. اما در مورد این پرسشنامه نیز همچنانکه ملاحظه می شود نظرات دست اندرکاران بیرونی در سطوح یاد شده در این تحقیق، متفاوت بوده و اگرچه گویه های مشترکی در ۵ اولویت اول قرار گرفته اند اما جای گیری در همین ۵ اولویت نیز متفاوت بوده است. به عنوان مثال وجود رابطه قانونمند بین بخش های مختلف (شهرداری، مراکز درمانی و خانه های بهداشت،...) با ادارات ثبت احوال در استانهای ضعیف در اولویت سوم ولی در استانهای متوسط و قوی در اولویت پنجم قرار گرفته است.

آزمونهایی که برای همبستگی و یا استقلال متغیرها انجام شد هم برای کل استانهای منتخب و هم برای استانهای در سه سطح ضعیف، متوسط و قوی انجام گردید که در جدول الف - نتایج آن آورده شده است. در جدول مشاهده می شود که از ۱۵ فرضیه ی مورد نظر تنها در ۶ فرضیه وجود ارتباط بین متغیر وابسته با متغیرهای مستقل پذیرفته و در ۹ فرضیه، فرض استقلال متغیرهای وابسته و مستقل پذیرفته شده است.

جدول الف - وضعیت قبولی و یا رد فرضیه H0 (فرض استقلال) در کل نمونه و در سه سطح تعیین شده در نمونه ها

فرضیه ها	کل نمونه	استانهای سطح ضعیف (ایلام - کهگیلویه و بویر احمد)	استانهای سطح متوسط (اردبیل - مرکزی)	استانهای سطح قوی (خراسان جنوبی)
۱- ارتباط ثبت فوت در مهلت قانونی یا خارج از آن یا جنسیت متوفی	قبول	رد	قبول	قبول
۲- ارتباط ثبت فوت در مهلت قانونی یا خارج از آن یا فاصله محل سکونت اعلام کننده تا اداره ثبت احوال	قبول	قبول	رد	قبول
۳- ارتباط ثبت فوت در مهلت قانونی یا خارج از آن یا در حومه بودن محل وقوع فوت یا اداره ثبت احوال	قبول	قبول	قبول	رد
۴- ارتباط ثبت فوت در مهلت قانونی یا خارج از آن یا مصرف هزینه برای رسیدن به ثبت احوال برای ثبت فوت	قبول	قبول	قبول	قبول
۵- ارتباط ثبت فوت در مهلت قانونی یا خارج از آن یا وجود تألمات روحی بازماندگان	قبول	قبول	قبول	قبول
۶- ارتباط ثبت فوت در مهلت قانونی یا خارج از آن یا وجود بازمانده برای متوفی	رد	قبول	رد	قبول
۷- ارتباط ثبت فوت در مهلت قانونی یا خارج از آن یا داشتن اطلاع از قانون ثبت فوت در ۱۰ روز	رد	رد	رد	قبول
۸- ارتباط ثبت فوت در مهلت قانونی یا خارج از آن یا انحصار وراثت	رد	قبول	رد	قبول
۹- ارتباط ثبت فوت در مهلت قانونی یا خارج از آن یا در دسترسی بودن شناسنامه متوفی	رد	قبول	قبول	رد
۱۰- ارتباط ثبت فوت در مهلت قانونی یا خارج از آن یا دریافت گواهی دهنی	قبول	قبول	قبول	قبول
۱۱- ارتباط ثبت فوت در مهلت قانونی یا خارج از آن یا تهیه مدارک مورد نیاز برای اعلام و ثبت فوت	قبول	قبول	قبول	قبول
۱۲- ارتباط ثبت فوت در مهلت قانونی یا خارج از آن یا عدم دسترسی مردم به ادارات ثبت احوال	قبول	قبول	قبول	قبول
۱۳- ارتباط ثبت فوت در مهلت قانونی یا خارج از آن یا جنسیت اعلام کننده	رد	قبول	قبول	رد
۱۴- ارتباط ثبت فوت در مهلت قانونی یا خارج از آن یا تحصیلات اعلام کننده	رد	قبول	قبول	رد
۱۵- ارتباط ثبت فوت در مهلت قانونی یا خارج از آن یا سن متوفی	قبول	قبول	قبول	قبول

راهکارها و پیشنهادات

درون سازمانی

۱- با توجه به اجماع نظر مدیران، معاونین، روسا و کارشناسان خبره ادارات ثبت احوال و علاوه بر آن با تأکید بر فرضیه شماره ۷ در این تحقیق که بیانگر وجود ارتباط بین متغیرهای ثبت فوت متوفی در مهلت قانونی با اطلاع داشتن مردم از قانون ثبت فوت در ۱۰ روز بود، می توان نتیجه گرفت که تبلیغات، اطلاع رسانی و دادن آگاهی به مردم می تواند ثبت فوت را بهبود و پوشش این واقعه را ارتقاء بخشد. یافته های تحقیق نشان داد که در استانهایی که نرخ فوتشان کمتر از ۵ در هزار نفر بوده (سطوح ضعیف و متوسط) این عامل که به عنوان یکی از عوامل درونی سازمان شناخته شد، عاملی بسیار تأثیر گذار بر ثبت فوت می باشد. پیشنهاد می شود تبلیغات و اطلاع رسانی وسیعی از قوانین ثبت فوت به مردم در مناطق مختلف کشور علی الخصوص استانهایی که نرخ فوت آنها کمتر از ۵ در هزار نفر حاصل شده، صورت گیرد. این آگاهی بخشی می تواند از طریق: رسانه ها، جراید، مطبوعات، صدا و سیمای مراکز استانها و شبکه های سراسری، مساجد، نماز جماعات، شوراها و دهیارها، خانه های بهداشت، بیمارستانها، چاپ و انتشار آگهی های تبلیغاتی، پوستر و بنر باشد. در اینجا اشاره می شود که از نگاه دست اندر کاران بیرونی سازمان نیز رسانه های محلی می توانند در آگاهی بخشی مردم برای ثبت فوت تأثیر گذار باشند.

۲- با توجه به جمع بندی صورت گرفته از اظهار نظر دست اندرکاران درونی سازمان، مشاهده می شود که دومین اولویت متعلق به جلب همکاری دهیارها و یا شوراها برای اعلام فوتهای واقع شده در منطقه می باشد. همچنین به نظر دست اندرکاران بیرونی سازمان که کارکنان دیگر نهادها و ارگانهای مرتبط با ثبت احوال هستند، بیمارستانها و خانه های بهداشت نقش مؤثری در بهبود ثبت فوت دارند. در این تحقیق مشاهده گردید که نقش شوراها، دهیارها و مسئولین امور عشایری در بهبود ثبت فوت اهمیت ویژه ای داشته و رتبه سوم را به خود اختصاص داده است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که جلب همکاری این نهادها (بیمارستانها، خانه های بهداشت، شوراها، دهیارها و مسئولین امور عشایری) و دیگر نهادها مانند شهرداریها، نیروی انتظامی، پزشکی قانونی و ... می تواند ثبت فوت را بهبود بخشد. برای جلب همکاری این ارگانها پیشنهاد می شود جلسات مشترکی با حضور مدیر کل ثبت احوال استانها و معاونین آنها و مسئولین و

یا نمایندگان این نهادها به منظور آموزش و ایجاد حساسیت در ارتباط با ثبت وقایع حیاتی علی‌الخصوص ثبت واقعه فوت صورت پذیرد. این جلسات می‌تواند به صورت سمینار و یا همایش‌های یک‌روزه و در دوره‌های هر سه ماه یکبار انجام گرفته و در آن از روسای ادارات ثبت احوال، بهورزان، پزشکان و... دعوت بعمل آورد. علاوه بر پیشنهادات فوق، ایجاد رابطه قانونمند بین نهادهای یاد شده با ادارات ثبت احوال نیز می‌تواند پوشش ثبت فوت را بهبود بخشد.

۳- یکی از مسائلی که از نگاه مدیران، روسا و خبرگان ادارات ثبت احوال مورد توجه بوده و در میان دیگر گویه‌ها رتبه سوم را به خود اختصاص داده، مراجعه منظم مأمور ثبت احوال به مراجع ذیربط بوده است. این عامل که به عنوان عامل درون سازمانی شناسایی گردیده، می‌تواند به عنوان عاملی مؤثر در بهبود ثبت فوت در نظر گرفته شود. با توجه به این یافته می‌توان پیشنهاد نمود، برنامه‌زمانبندی شده‌ای توسط روسا و مسئولین ادارات برای اعزام مأمور به بیمارستانها، گورستانها و نقاط روستایی تهیه گردد و الزاماتی برای اجرای آن در نظر گرفته شود. علاوه بر تهیه برنامه زمان بندی شده، تهیه چک لیستی کامل از نهادهایی که در برنامه پیش بینی شده و نکاتی که می‌بایست مورد بازبینی قرار گیرد، الزامی بنظر می‌رسد. در همین راستا پیشنهاد می‌شود مدیران، معاونین و روسای ادارات ثبت احوال نظارت دقیق و کنترل مستمری بر آمارهای ثبت فوت و یا نرخها و درصدهای حاصل از ثبت داشته باشند.

۴- پنجمین اولویت حاصل از اجماع نظر خبرگان ثبت احوال مربوط به ایجاد ضمانت‌های اجرایی (تشویق و تنبیه) به منظور اعلام و ثبت به موقع رویداد فوت توسط مردم بوده است. از آنجا که قانون ثبت احوال حدوداً مربوط به ۹۰ سال پیش بوده و قوانین مربوط به ثبت فوت در سال ۱۳۵۵ به تصویب مجلس وقت رسیده و اصلاحیه مربوط به آن در سال ۱۳۶۳ تهیه و تصویب گردید، و با توجه به حساسیتی که در حال حاضر نسبت به پوشش ثبت فوت وجود دارد، پیشنهاد می‌شود که برای قوانینی که در حال حاضر برای ثبت فوت موجود است، ضمانت‌های اجرایی مانند تشویق و ترغیب مردم (در مواردی که در مهلت قانونی اقدام به ثبت فوت می‌شود) و یا تنبیه (به عنوان مثال عدم برخورداری از برخی امکانات دولتی) مؤثر ایجاد شود. در مورد بعضی از مناطق خاص جغرافیایی مانند استانهای پهناور، مرزی و یا مناطق صعب‌العبور و عشایری کشور

پیشنهاد می شود قوانین موجود بازنگری و بطور خاص برای آنها قوانین جدید ایجاد شود.

۵- یکی از عوامل درونی سازمان که در نظر خبرگان ثبت احوال در رتبه ششم قرار گرفته و می تواند پوشش ثبت این واقعه را بهبود ببخشد، دسترسی مردم به ادارات ثبت احوال بوده است. این فرضیه با دو سؤال متفاوت از مردم پرسیده شد که پس از آزمون، در هر دو فرض استقلال متغیرها پذیرفته و فرضیه محقق رد گردید. اما با توجه به نظر خبرگان ثبت احوال پیشنهاد می گردد برای ارتقاء کیفیت آمارهای مرگ و میر و پوشش هر چه بیشتر این واقعه و به منظور خدمت رسانی به مردم، نمایندگی ثبت احوال در بیمارستانها، گورستانها، مراکز بخشها و در بعضی مناطق روستایی و عشایری ایجاد گردد. سپردن بخشی از فعالیتهای حقوقی و سجلی به بخش خصوصی و ایجاد دفاتر خدمات سجلی (مانند پلیس + ۱۰) نیز می تواند کمک بسزائی در امر بهبود پوشش ثبت وقایع حیاتی نماید.

۶- با توجه به اجماع نظرات دست اندرکاران دیگر نهادها و ارگانها، انتشار به موقع آمارهای فوت به مسئولین و دست اندرکاران بیرونی سازمان نقش مؤثری در بهبود ثبت واقعه فوت می تواند داشته باشد. در این خصوص پیشنهاد می شود آمارها و شاخصهای حاصل از ثبت این رویداد در دوره های زمانی ماهانه، فصلی و سالیانه در نسخ کاغذی و یا الکترونیکی به اطلاع مسئولین استانی رسانده شود. دومین پیشنهاد در این خصوص، برپایی نمایشگاه و یا شرکت در نمایشگاههایی است که توسط ارگانها و سازمانهای مرتبط (به منظور به نمایش گذاشتن روند ثبت این واقعه و دیگر فعالیتهای سازمان) برگزار می شود. لازم به یادآوری است که یکی از بهترین روشهایی که در حال حاضر برای اطلاع رسانی در مورد آمارهای ثبتی سازمان ثبت احوال موجود است، ایجاد پورتال برای ادارات کل ثبت احوال استانها و استفاده از امکانات اینترنتی می باشد.

راهکارهای برون سازمانی

۱- همانطور که مشاهده گردید، فرضیه هایی که بیانگر وجود ارتباط میان وجود بازمانده و یا نیاز به گواهی انحصار وراثت با ثبت در مهلت قانونی فوت بود، پذیرفته شد. این عوامل جزء عوامل بیرونی سازمان بوده و در گروه عوامل اجتماعی و اقتصادی شناسایی گردیدند. پیشنهاد می شود در خصوص شناسایی فوتهایی که در آنها متوفی بازمانده ای ندارد از رابطینی که توسط ادارات ثبت احوال تعیین می شوند استفاده گردد. بدیهی

است که آموزش لازم به رابطین و برقراری حق الزحمه برای این افراد می تواند بر کیفیت شناسایی و اعلام فوتها تأثیر گذار باشد. در خصوص انحصار وراثت و انجام مراحل آن، پیشنهاد می شود که ابتدا با آگاهی بخشی قانونی و تبلیغات در خصوص ثبت فوت در مهلت قانونی به مردم آموزش لازم داده شود و پس از آن اجرای سیاستهای تنبیهی برای دیرثبتی فوت الزامی گردد. یکی از سیاستهای تنبیهی برای وراثت، می تواند به عنوان مثال افزایش درصد حق دولت از اموال متوفی باشد.

۲- یکی از فرضیه های محقق که پس از آزمون، پذیرفته شد عبارت بود از وجود ارتباط میان جنسیت اعلام کنندگان رویداد فوت با ثبت فوت در مهلت قانونی. بر اساس یافته های این تحقیق ۸۱ درصد فوتها توسط مردان، اعلام و به ثبت رسیده است. این فرضیه در استانهای سطح قوی نیز پذیرفته شده است. در این زمینه به اهمیت نقش مردان در فعالیتهای اجتماعی و انجام کارهای قانونی می توان توسط آنها پی برد. در این خصوص پیشنهاد می شود با دادن آگاهی های لازم و فرهنگ سازی مناسب، زنان را به انجام فعالیتهای اجتماعی و کارهای قانونی تشویق و ترغیب نموده و از مشارکت و همکاری آنها سود جست.

۳- از دیگر فرضیه هایی که برای محقق مطرح و پذیرفته شد، وجود ارتباط میان تحصیلات اعلام کنندگان با ثبت در مهلت قانونی این رویداد بود. به عبارت دیگر عامل تحصیلات که یکی از عوامل بیرونی سازمان و جزء عوامل فرهنگی شناسایی گردید بر ثبت فوت در مهلت قانونی و یا خارج از آن تأثیر دارد. در این راستا دادن آموزش های عمومی لازم از طریق برنامه های تلویزیونی و یا شبکه های سراسری رادیویی و ارتقاء سطح عمومی فرهنگ مردم به وسیله تبلیغات و اطلاع رسانی پیشنهاد می شود.

۴- یکی از راههای شناسایی، اعلام و ثبت فوت در مناطق شهری و روستایی، محصور نمودن گورستانها در شهرها توسط شهرداریها، در بخشها توسط بخشداریها و در روستاها توسط دهیارها و همچنین تعیین و معرفی متولی و مسئول برای گورستانها در نقاط شهری و روستایی توسط شهرداریها، بخشداریها و دهیارها می باشد که از نگاه خبرگان ثبت احوال دارای اهمیت ویژه بوده چنان که در رتبه چهارم قرار گرفته است. در این راستا تأکید به متولی گورستانها به عدم کفن و دفن متوفیاتی که فاقد گواهی دفن هستند نیز پیشنهاد می شود.

راهکارهایی که ارائه گردید علاوه بر اینکه از یافته های تحقیقات پیشین استفاده گردید، تجربیات شخصی و حرفه ای محقق را نیز شامل می شود. با توجه به نقش مدیریت و جایگاه مهم آن در ادارات کل ثبت احوال در استانهای کشور، آنچه می تواند بیشترین تأثیر را بر ثبت به موقع فوتهای واقع شده در مناطق مختلف استانها داشته باشد، نظارت مدیر کل استان و معاونین وی بر روند آمارهای وقایع حیاتی استان و نرخهای حاصل از آنها و همچنین ارتباط و تعامل ایشان با مسئولین استانی (اعم از استانداران، شهرداران، روسای دانشگاه علوم پزشکی استانها و ...) می باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

- ایروانی، غلامعلی. (۱۳۸۵). **شناسایی عوامل سازمانی و شغلی استرس زای کارکنان امور مشترکین شرکت توزیع نیروی برق شهرستان اصفهان**. (پایان نامه ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان).
- بلوچ، غلامرضا. (۱۳۷۹). **فرهنگ مصور فارسی**. تهران: انتشارات اسرار دانش.
- حسن لاریجانی، ایرج. (۱۳۸۷). **بررسی دیرثیتی وقایع زیستی ولادت و فوت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهرستان قزوین**. (پایان نامه ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز).
- رابینز، استیفن. (۱۳۸۳). **تئوری سازمان (ساختار، طراحی، کاربردها)**. ترجمه ی: الوانی، سید مهدی، دانائی فرد، حسن. تهران: انتشارات صفار- اشراقی.
- رابینز، استیفن. (۱۳۸۴). **رفتار سازمانی (مفاهیم، نظریه ها، کاربردها)**. ترجمه ی: پارسایان، علی، اعرابی، سید محمد. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- رحمانی، علی اکبر. (۱۳۷۳). **بررسی مشکلات نظام سستی ثبت احوال در ایران با هدف تحول و نوآوری**. (پایان نامه ارشد، مرکز آموزش مدیریت دولتی تهران).
- دفت، ریچارد ال. **تئوری سازمان و طراحی ساختار**. (۱۳۷۴). تهران: وزارت امور خارجه.
- دلوی، محمد رضا قاسمی کرامت قلعه. **مبانی سازمان و مدیریت**. (۱۳۸۷). تهران: انتشارات دانش پژوهان.
- ساروخانی، باقر. **روشهای تحقیق در علوم اجتماعی**. (۱۳۸۵). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی مطالعات فرهنگی.
- سازمان ثبت احوال کشور. (۱۳۸۷). **طرح راهکارهای عملی برای رفع موانع ثبت وقایع حیاتی با تأکید بر رویدادهای ولادت و فوت**. (طرح پژوهشی).
- سازمان ثبت احوال، **قانون ثبت احوال**، مصوب تیر ماه ۱۳۵۵ - متضمن اصلاحیه مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۸ مجلس شورای اسلامی.
- سربایی، حسن. (۱۳۷۱). **روشهای مقدماتی تحلیل جمعیت با تأکید بر باروری و مرگ و میر**. تهران: دانشگاه تهران.
- صابری، عبدالله. (۱۳۷۷). **علل و عوامل کم ثبیتی و دیرثیتی**، مقاله، سازمان ثبت احوال کشور.
- کنفرانس ملی مدیریت فرایند، ۱۳۸۸، آنلاین، ۲۰۰۹. www.management.ut.ac.ir
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). **جامعه شناسی**. تهران: نشر نی.
- مرکز آمار ایران. **تعاریف و مفاهیم استاندارد آماری**. (۱۳۸۶). تهران: چاپخانه مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران. **سرشماری عمومی نفوس و مسکن**. (۱۳۷۵). تهران: چاپخانه مرکز آمار ایران.
- معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور. **تحولات جمعیت ایران در دهه اخیر**. (۱۳۸۸).
- www.spac.ir/barnameh
- میرزایی، خلیل. (۱۳۸۸). **پژوهش، پژوهشگری و پژوهش نامه نویسی**. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- نوروزی، مینو. (۱۳۸۴). **مقایسه تأثیر عوامل درون سازمانی بر عملکرد دبیران شهر تهران**. (پایان نامه ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن).
- Arnold, Hugh J. and Daniel C. Feldman. (1986). **Organization Behavior**. New York: McGraw-Hill
- Eli S. Marks- William Seltzer- Karol J.Krotki (1974) **Population Growth Estimation**. VA: The Population Vncul. NEW YOURK.
- Freedman.L.C.D.R. White, and A.K. Rommey (1989). **Record Methods in Social Network Analysis**, Fairfax, VA: George Mason University Press.
- **Friedman Test** (2007) [online]. <http://facultyp:// Vassa>